

میزگرد بررسی مسائل ایران‌شناسی

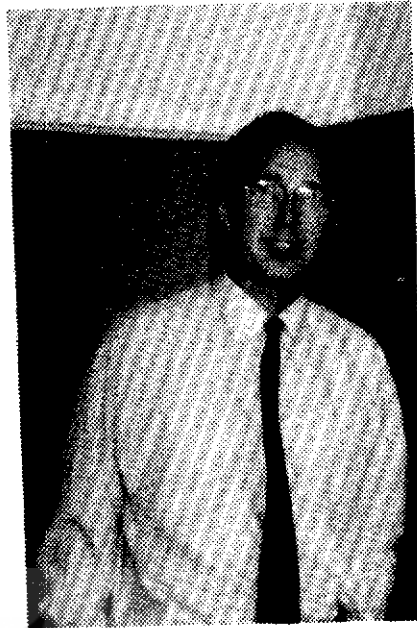


مرکز بازشناسی اسلام و ایران

۲۴۵

به منظور بررسی آثار و نتایج چهارمین کنفرانس مطالعات ایرانی در پاریس که با حضور چهارصد تن از استادان مطالعات ایرانی و صاحب‌نظران مسائل ایران در مهرماه ۱۳۷۸ برگزار شد، میزگردی با حضور شماری از استادان شرکت‌کننده در این کنفرانس و نیز گروهی از استادان برجسته ایرانی در مرکز بازشناسی اسلام و ایران برپا شد. در این میزگرد آقایان دکتر کریستف بالایی، دکتر میرجلال‌الدین کزازی، دکتر ناصر تکمیل همایون، دکتر محمود طالقانی و آقایان علی دهباشی و مسعود رضوی شرکت کردند و در ابتدای این نشست آقای کیومرث امیری مدیر مرکز بازشناسی اسلام و ایران سخنان کوتاهی ایراد کرد. بخشی از سخنان ایشان چنین است:

در حال حاضر، نشریات بسیاری در حوزه زبان و ادب فارسی، هنر ایرانی، مطالعات ایرانی، زبانها و اقوام ایرانی در سراسر جهان به زبان فارسی و زبانهای انگلیسی، روسی، عربی، فرانسه، آلمانی، چک و اردو نشر می‌یابد. صدها مرکز، انجمن و کانون‌های ایران‌شناسی و زبان و ادب و هنر و تاریخ و فرهنگ ایران در دانشگاهها و دانشکده‌های اروپایی، آسیایی، ژاپنی، پاکستانی، مصری و بطور کلی ۸۵ کشور جهان به صورت درس، زمینه تحقیقاتی و آموزش به مسائل مربوط به ایران توجه نشان می‌دهند. هم‌اینک، حدود ۷۰۰۰ دانشجو در کشورهای مختلف به تحقیق و تدریس و مطالعه درباره فرهنگ و تمدن و هنر و زبان و اقوام ایران می‌پردازند، و همه ساله صدها کنفرانس، میزگرد و جلسه سخنرانی در خصوص ایران و ایرانی برپا می‌شود و دهها



● برنارد هوکارد ریاست دوره چهارم انجمن ایرانشناسان اروپا

تخصصی ادبیات فارسی، هنر ایرانی، تاریخ ایران و باستان‌شناسی ایران برگزار شد و حتی پس از آن تخصصی‌تر شد و تاریخ یک سلسله و یا یک دوره تاریخی و یا یک نوع هنر از ایران مورد مطالعه قرار گرفت باستان‌شناسی یک دوره تاریخی هم مورد نظر بود و بدین گونه ایران‌شناسی کلاسیک که دایره‌المعارفی بود، از بین رفت و ایران‌شناسی‌های تخصصی و صاحب‌نظر در یک حوزه پدید آمد. البته این محدودیت موضوع و تخصصی‌تر شدن با تفکیک و تمایز دقیق علوم هم سازگاری بیشتری دارد.

دکتر تکمیل همایون در پایان سخنان خویش به این نکته اشاره داشت که باید ایران‌شناسی خارجی‌ان و ایران‌شناسی خود ایرانیان در همکاری با یکدیگر به یک نوع دریافت و برداشت از ایران بینجامد تا از دقت و واقع‌نمایی برخوردار باشد.

دیگر سخنران میزگرد آقای دکتر محمود طالقانی استاد جامعه‌شناسی دانشگاه بود که چکیده نظرات ایشان چنین بود: در کنفرانس پاریس، سعی گردانندگان و برنامه‌ریزان بر آن بود تا بیشترین شرکت کنند. از ایران باشد و ایران‌شناسان زیادتری از نقاط مختلف دنیا در آن شرکت کنند. مقالات ارائه شده در کنفرانس بسیار در خور اعتنا بود.

نکته مهمی که دکتر طالقانی در سخنان خود بدان تأکید داشتند آن بود که دو دهه است که اساساً ایران‌شناسی نداریم و در اروپا هیچ سازمان و گروه و فردی نداریم که بگوید ایران‌شناسی.

بلکه در این دو دهه مطالعات ایرانی داریم یکی درباره عرفان ایران، یکی درباره اسلام ایرانی، یکی در باب هنرهای ایران کار می‌کند. پس ما امروزه، مطالعات ایرانی داریم و ایران‌شناسی گذشته از بین رفته است. ما در کنفرانس ۴۰۰ نفر داشتیم که ۳۰۰ نفر آن خارجی و ۱۰۰ نفر ایرانی بود. الان ایران‌شناسی به سوی روزنامه‌نگاری سوق پیدا کرده و ایران‌شناسان سطحی و روزنامه‌نگار داریم، کار آنها عمیق نیستند بلکه بسیار ناقص و سطحی است، مشکل اساسی ما در ایران‌شناسی مشکل برون مرزی و داخل کشور است. ما باید در داخل کشور به مطالعات ایرانی توجه بیشتری داشته باشیم. در خارج هنوز هم ایران زنده است و مسائل ایران زنده و قابل توجه است. اینکه در یک کنفرانس ۳۰۰ محقق خارجی به شناخت ایران توجه دارند حکایت از عظمت و اقتدار فرهنگ و تمدن و کشور ماست، در حالی که در پاره‌های کنگره‌ها که برای برخی کشورها برگزار می‌شود با همه امکانات و تبلیغات و فعالیت، نمی‌توانند ۳۰ نفر را گرد آورند. ولی برای ایران و شناخت آن این همه شخصیت‌های علمی و دانشگاهی وجود دارند. این امر دلیل اهمیت مطالعات ایرانی در جهان است.

دکتر طالقانی در بخش دیگری از سخنان خویش در خصوص ویژگی‌های کنفرانس چنین اظهار داشت:

در کنفرانس توجه داشتیم که هم ایرانیان برون مرزی و هم ایرانیان داخل کشور در کنفرانس حضور داشته باشند، بطوریکه از دانشگاه تهران ۱۸ شرکت کننده و ۱۲ مقاله ارائه شده داشتیم. در کنفرانس مسأله‌ای که مطرح شد غیبت زبان فارسی در عرصه مطالعات ایرانی است که باید به آن هم توجه شود. در کنفرانس از ۳۶ کشور شرکت کننده بود.

وی در پایان سخن خود چنین نتیجه‌گیری کرد: ما دو گونه بحث داریم. ۱ - ما چه هدفی از ایران‌شناسی داریم و ۲ - دیگران چه اهدافی از ایران‌شناسی دنبال می‌کنند؟ هدف اروپائیان از ایران‌شناسی برای آنها معلوم است و آیا ایران‌شناسی ما برای ما روشن است و دلایل و اهداف آن را می‌دانیم؟

به نظر آقای دکتر طالقانی ما روش‌ها و شیوه‌های مطالعات ایرانی را می‌دانیم و خود می‌توانیم خود را بشناسیم ما از این لحاظ نیازی به ایران‌شناسی خارجی نداریم. البته ما در داخل کشور برای ایران‌شناسی متولی خاصی نداریم.

دکتر کریستف بالایی رئیس انجمن ایران‌شناسی فرانسه و از استادان نامور ادبیات فارسی نیز در سخنان خود، ابتدا چهار پرسش اساسی را درباره ایران‌شناسی مطرح نمود سپس، دیدگاه‌های خود را حول کنفرانس مطالعات ایرانی پاریس ارائه کرد. این چهار پرسش عبارتند از: ۱ - آیا ایران‌شناسی یک مفهوم است؟ ۲ - آیا ایران‌شناسی یک مسأله است؟ اگر مسأله تلقی می‌شود



● کریستف بالایی مدیر انجمن ایرانشناسی فرانسه در ایران

چگونه مسأله‌ای است؟ ۳ - آیا ایران‌شناسی یک روش است؟ ۴ - آیا ایران‌شناسی یک زمینه علمی و تحقیقاتی است؟

وی هرگونه بحث و بررسی درباره ایران‌شناسی و ایران و زبان در ادب فارسی را بی توجه به این چهار پرسش مهم ابرو و نارسا خواند و متذکر شد که ایران‌شناسی در چارچوب شرق‌شناسی قرار داشته و اینک، در اروپا، ایران‌شناسی یک مفهوم تاریخی است، همچنانکه شرق‌شناسی مفهومی تاریخی است. دکتر بالایی در ادامه سخنان خود افزود: ایران‌شناسی دوگونه است: ایران‌شناسی درونی و ایران‌شناسی برونی. ایران‌شناسی ما خارجیان از برون نیست بلکه نگاه از بیرون و خارج از ایران است.

وی درباره کنفرانس مطالعات ایرانی در پاریس نیز خاطرنشان ساخت که: در این کنفرانس، ایرانیان و استادان بسیاری شرکت کرده بودند و فرصتی بود تا دانشمندان ایرانی و اروپایی با یکدیگر تبادل نظر کنند و از لحاظ تخصصی کنفرانس بسیار موفق بود. چیزی که در آنجا برای ما روشن شد این بود که فرهنگ ایرانی بسیار غنی است. البته ما در سال قبل از کنفرانس، جلسات بسیاری داشتیم و درباره موضوع کنفرانس بحث‌های زیادی داشتیم. می‌دانیم که ایرانیان درباره فرانسه اطلاعات خوبی داشته و دارند و یکی از اهداف کنفرانس آن بود که فرانسوی‌ها به فرهنگ ایرانی خدمتی کنند و شناخت بیشتری از آن پیدا کنند.

آقای بالایی همچنین اشاره نمود که در فهم هویت خود، انسان همین که هویت دیگری را شناخت، خود را بهتر می‌شناسد، ایران‌شناسی ما خارجیان نیز برای خود ما چنین است. ما هنگامی که ایران‌شناسی می‌کنیم به گونه‌ای از نگاه غیر به خودمان نیز نظاره می‌کنیم. پس ایران‌شناسی هم گونه‌ای هویت‌شناسی است و هم نوعی دانش است. ما جز از طریق شناخت دیگران نمی‌توانیم خود را آنگونه که هستیم بشناسیم. دکتر میرجلال‌الدین کزازی نیز در ادامه جلسه بیاناتی ایراد نمود که خلاصه سخنان ایشان چنین است:

اساساً ایران‌شناسی یک بحث خودشناسی است و ما باید به آن توجه خاص داشته باشیم؛ ما از ابعاد مختلف نیاز داریم خود را بشناسیم و منتهی ما در دو سطح شناخت پیدا می‌کنیم، شناخت اجمالی و شناخت تفصیلی. شناخت اجمالی شبیه ایران‌شناسی کلاسیک است که تنها به شناخت ظواهری از ایران بسنده می‌کرد. در حالی که شناخت تفصیلی، شناختی ریشه‌ای، عمیق و ژرفانگر و تو در تو است. مقصود ما باید از ایران‌شناسی همین شناخت تفصیلی باشد. از این دیدگاه، گاه ایران‌شناسی خارجیان کودکانه و در پاره‌ای مواقع، بسیار مسخره و غیر واقعی است. اکنون، بسیاری از مدعیان ایران‌شناسی، کوچکترین اطلاعی از ایران ندارند، در برخی مراکز ایران‌شناسی، شخصیت‌های نامور ایرانی را عرب می‌خوانند و تاریخ ایران را به درستی نمی‌شناسند. بنابراین، توجه و انتظار ما از خارجیان برای ایران‌شناسی کاری گزاف و نادرست است، ما خود باید به شناخت خود توجه نماییم و ابعاد و زوایای گوناگون حیات فردی و جمعی و تاریخ و فرهنگ و تمدن درخشان خود را مورد مطالعه و سنجش قرار دهیم.

البته، از این منظر، باید بسیاری از برداشت‌های خود را تنقیح و پاک گردانیم. چرا که بسیاری از دانش‌های ما غیر واقعی و احساسی و یک طرفه است. این دانش‌ها نیاز به دوباره‌سنجی و کاوش مجدد دارند تا هویت ایرانی و رخساره نیکوی آن روشن شود. در ادامه این نشست آقای مسعود رضوی گزارشی از کنگره مطالعات ایرانی پاریس ارائه نمود که اهم نکات آن چنین است: در این کنفرانس سخنرانی‌های بسیار ایراد شد و مجمع ایران‌شناسان اروپایی که هر ۴ سال یکبار دستاوردهای تحقیقی خود را ارائه می‌کنند، گرد آمده بودند، این مجمع پس از انقلاب تشکیل شده و داعیه سیاسی ندارد. هدف ایران‌شناسان اروپایی از برگزاری این کنفرانس اهداف سیاسی نبود و سعی داشتند تا بدور از نظارت ایران کنفرانس را برپا نمایند. بدین خاطر، جمع بیشتری از ایرانیان خارج از کشور در آن حضور یافته بودند.

کنفرانس در سوم سپتامبر ۱۹۹۹ در دانشگاه پاریس برگزار شد و در آن شمار زیادی از استادان حوزه‌های فرهنگ و تمدن ایرانی در آسیای مرکزی شرکت داشتند و ۳۰۰ مدعو سخنرانی داشت. گسترش کمیت باعث افت کیفیت شده بود و انتظارات بیشتری می‌توان از این چنین

کنفرانس‌هایی داشتند. مسأله مهم در این کنفرانس آن بود که عده‌ای همت می‌کنند و درباره ایران موضوعات متنوعی را مطرح می‌کنند. این کنفرانس نقطه عطفی در شناخت ایران خواهد بود. در این کنفرانس به عرفان ایرانی توجه شده بود.

آقای علی دهباشی نیز که از اعضای شرکت کننده در این کنفرانس بود، در ادامه میزگرد نظرات خویش را بیان داشت. امهات دیدگاه ایشان نیز چنین است: در دو دهه اخیر و خصوصاً پس از فروپاشی شوروی سابق و پیدایش کشورهای مستقل، ایران‌شناسی وضعیت دیگری یافته و شکل عوض کرده و توجه به مسائل ایران معاصر و بویژه عرصه فرهنگ، سیاست، هنر، تاریخ و اجتماعیات بیشتر شده است. از این رو، در کنفرانس پاریس مسائل ایران معاصر با نگاه تازه‌ای مطرح می‌شد. سیاست گذشته ایران‌شناسی آن بود که به مسائل معاصر ایران توجه چندانی نداشت و شاید هم مسائل معاصر ما چیز قابل توجهی برای آنها نداشته باشد. نکته مهمی که در کنگره پیشین که در کمبریج برگزار شد و در این کنگره بیشتر به آن عنایت می‌شد، پرداختن به مسائل معاصر ایران در زمینه فرهنگی آن بود، این توجه هم از سوی ایران‌شناسان خارجی و هم از سوی ایرانیان داخل و ایرانیان خارج از کشور بود، در واقع، موضوع یابی هر سه گروه همسانی و سازگاری داشت. بررسی مسأله ادبیات جنگ، زنان و وضعیت آنان پس از جنگ، ادبیات کودکان و نوجوانان و مسائل مختلفی که الان همه آنها مسأله اصلی جامعه ماست، در این کنفرانس مدنظر بود.

۲۵۰

کنفرانس پاریس از لحاظ مقایسه با کنفرانس‌های پیشین این برجستگی را داشت که به مسائل پس از انقلاب توجه کرده بود. تعداد سخنرانی‌ها و پژوهش‌ها هم بسیار بیشتر از کنفرانس‌های پیشین بود.

در پایان این جلسه آقایان دکتر محمدحسن احمدی، دکتر شاپور رواسانی، دکتر مسعود کوثری، دکتر محمود روح‌الامینی و مهندس میرسلیم نیز با طرح دیدگاههای خویش درباره ایران‌شناسی و ایران‌شناسان و روش‌ها و دستاوردهای مطالعاتی و تحقیقاتی ایران‌شناسان خارجی و کنگره‌های مطالعات ایرانی خواستار ادامه این سلسله نشست‌ها شدند.